عید نوروز در حضور ناصرالدین شاه (سه سال در دربار ایران)

فوریه

اقبال، عباس

امروز روز عید نوروز است و من‏ بعادت هر روز از خیلی زود بانتظار بیرون آمدن شاه از در نارنجستان در باغ گلستان قدم میزنم.اعلیحضرت‏ بیرون آمد و مرا باشاره‏ای بخدمت‏ خود خواست و من پیش رفتم.دامن‏ خود را که پر از فیروزه بود گشود و از آن میان با دقت تمام سه قطعهء درشت‏ تر را جدا کرد سپس جمیع آنها را تحت آزمایش آورد و از آنها آنرا که‏ منظم‏تر و خوشگلتر بود برداشت و بمن‏ داد و گفت این عیدی شماست.

نوروز در حقیقت اول سال رسمی‏ ایرانیانست چه سالهای اسلامی قمری‏ است و اعیاد و ایام سوگواری ایشان‏ در عرض سال همچنانکه پیش ما ثابت‏ است ثابت نمی‏ماند فقط نوروز لایتغیر است و همیشه درست با روز اول اعتدال‏ ربیعی یعنی موقعیکه آفتاب ببرج حمل‏ میرسد و بهار شروع میشود تطبیق میکند و نتیجه این کیفیت چنین شده است که‏ امروز زمان تحویل با ساعت شش و نیم‏ بعد از ظهر مصادف گردیده و آنرا اخترشناس باشی شاه استخراج نموده‏ است.

تالار بزرگ موزه که مراسم سلام در آنجا بعمل خواهد آمد خیلی زود- تر از ساعت شش از جمیع پر شده بو تمام اعیان مملکتی در آنجا جمع‏ بودند و وزرا و صاحبات مناسب عالی بر جاهای خود قرار داشتند حتی من در میان ایشان چند تن از صاحب منصبان نظامی خارجی را ه دیدم.

این صاحب منصبان خارجی که کم‏وبیش لباس صاحب منصبی ایران را بدون تعارف خریده‏اند در حقیقت خوش نشینانی هستند که خواسته‏اند با استخدام‏ این لباس یا ترکیب کردن آن با اجزاء دیگری از لباسیهای نظامی گوناگون‏ لباسی داشته باشند که برای مجلس نقلیه مناسبتر مینماید تا برای مجالس جدی، اعلیحضرت ساعت شش بتالار وارد شد و بر وی قالی زربفت کهنه‏ای که در پای‏ تخت فتحعلیشاه انداخته بودن برسم معمولی ایرانیها نشست و بر بالش مروارید دوز تکیه داد شاهمثل روزهای سلام یا مهمانیهای بزرگ در جواهر غرقه بود و نور فراوان چهل چراغهای بزرگ و شمعدانها و چراغهای دیواری تلالؤ عجیبی بآنها میداد بعلاوه منظرهء این تالار که سراپا آینه کاری است بسیار خیره‏کننده است.

در هریک از دو طرف تخت عده‏ای از روحانیون ایستاده‏اند و روبروی‏ شاه در چهار قدمی صدر اعظم بر پا ایستاده و چند قدم عقب‏تر در طرف چپ‏ ظهیر الدوله رئیس تشریفات و داماد شاه قرار گرفته،من در دو قدمی عقب سر امین السلطان ایستاده‏ام اما قدری متمایل بطرف راست تا در جلوی جمعیت‏های‏ مختلف اعیان دولت را بهتر ببینم.در سر دقیقه معین اخترشناس باشی با وقار تمام و قدمهای آهسته بجلوی شاه میآید و پس از تعظیم ساعت بدست شروع‏ سال نو را اعلام میکند سپس عقب‏عقب خارج میشود،و دو تن از سادا بشاه‏ تبریک و سلامت باد میگویند.

در حینی که این دون تن سید مشغول عرض تبریکند شمایل حضرت علی بن- ابی طالب را دست بدست میگردانند و همه آنرا میبوسند بعد هرکس چند دانه‏ گندم باین امیدکهسال آینده سال ارزانی و فراوانی باشد میخورد.

امام جمعه با یکی دیگر ازمجتهدین در داخل ظرفی آیاتی از قران مجید را مینویسد و پس از حل کردن آن در مایعی قسمتی از آنرا بشاه می‏آشاماند و بقیهرا نزدیکان مینوشند.

بعد از تمام شدن این مراسم مجد الدوله سبد بزرگی را که پر از سکه‏های تازه ضرب شده بود و بآنها که مثل بیست سانتیمی‏های قدیمی ماست‏ شاهی سفید میگویند پیش شاه گذاشت و شاه از آن ابتدا به ملاها بعد بشاهزادگان‏ درجهء اول مقداری داد سپس دو جیب لباس روی مرا پر کرد و دیگران هم یکی‏یکی‏ از جلوی شاه گذشتند و عیدی خود را گرفتند و با این رسم که تیمنی برای‏ زیاد شدن ثروت عیدی گیرنده در سال نو است مراسم نوروزی پایان یافت‏ سابقا با این شاهی سفیدها اشرفی نیز مخلوط میکردند لیکن ناصر الدین شاه‏ این رسم را از بین برده است.

علماء تجار و اصناف ایرانی که از ذی القعده 1326 تا جمادی الثانی 1327 در سفارت عثمانی متحصن بوده‏اند.